



دکتر علی اکبر شعاری نژاد

نظریه پردازی

در حوزه‌ی آموزشی - پرورشی



می‌دانیم که معادل فارسی علم science «دانش» است که معمولاً دارنده‌ی آن را «دانشمند» می‌خوانند. در برخی نوشته‌ها دانش را معادل «knowledge» به کار می‌برند که احتمالاً اشتباه است، زیرا معادل درست آن، «معرفت» یا «شناخت عمومی» و یا «معلومات عمومی» است. برای پی بردن به تعریف معتبر این گونه مفاهیم یا اصطلاحات، عمدتاً باید به کتاب‌های «فلسفه‌ی علم» مراجعه کرد.

علم به معنای مورد نظر این مقاله، به شناختی گفته می‌شود که با روش یا روش‌های خاص به دست می‌آید که عمدتاً محصول مشاهدات کنترل شده نه تصادفی و آزمایش، نه تجربه است. به عبارت دیگر، همه‌ی مردم مثلاً درباره‌ی خودشان و دیگران شناخت‌هایی دارند، از این گونه: فلانی آدم پررو یا کم‌رو، سخی یا خسیس یا بخیل، خوش‌بین یا بدبین و... است. لیکن این شناخت را «علم» یا «دانش» (روان‌شناسی) تلقی نمی‌کنند، چون عمدتاً محصول تجربه یا برخوردهای تصادفی شخصی است و بیشتر برای همان گوینده اعتبار دارد. در صورتی که روان‌شناسی به عنوان یک علم، وقتی آن‌ها را در مورد شخص یا اشخاصی به کار می‌برد که با روش‌های علمی ویژه‌ی پژوهش‌های روان‌شناسی از قبیل مشاهده‌ی کنترل شده‌ی چندین نفر و در شرایط خاص و آزمایش به وسیله‌ی آزمون‌های ویژه‌ی این حالات، شناختی را به دست آورده باشد. به عبارت دیگر، داوری قطعی در حوزه‌ی علوم، مخصوصاً علوم معروف به انسانی، اعتباری ندارد و حتی برای داور، مسئولیت سنگینی دارد. بنابراین، در به کار بردن اصطلاح «دانش» و دانشمند یا علم و عالم، باید بسیار محتاط بود.

کاملاً معینی دارد و نه به اشخاص معینی مثلاً استاد دانشگاه اختصاص دارد. اما محصول علوم را می‌توان «تولید» نامید. به این معنا که مثلاً فیزیک یا شیمی، به عنوان یک علم، به شخص یا کشور معینی اختصاص ندارد. لیکن ممکن است هر کشوری با استفاده از یافته‌های آن‌ها محصول خاصی تولید کند و به بازار مصرف بفرستد.

هر دانشمندی پیش از آغاز پژوهش‌های خود درباره‌ی موضوعی خاص، معمولاً از هر گونه داوری و اظهار نظر قطعی در مورد آن موضوع پرهیز می‌کند، مگر این که ممکن است بگوید: «احتمالاً چنین یا چنان

با توجه به این مقدمه درمی‌یابیم، «علم» نوعی فرایند است که در گذشت زمان به دست می‌آید، ممکن است قابل پیش‌بینی دقیق نباشد و نمی‌توان آن را «تولید» کرد. چون چنین علمی، نه همگانی است، نه جایگاه

*** نظریه، شناخت هر علم است. هر شناختی که بر یک یا چند نظریه (تئوری) مبتنی نباشد، معمولاً علم تلقی نمی‌شود**

بنابر این، نظریه‌پردازی در حوزه‌ی آموزش - پرورش، همانند سایر علوم و معارف، فرایند تولید نیست که فرد یا گروهی در اتاق در بسته‌ای بنشینند و صرفاً با اندیشیدن در آموخته‌های خود، نظریه‌ای را به‌وجود آورد و برای دیگران مطرح کند. لیکن نظریه‌پردازی به این شکل امکان‌پذیر است و آن هم برای شخص یا گروه طراح نظر، اعتبار دارد. و این که در متن‌های علمی آموزش - پرورش، به معلمان در همه‌ی دوره‌ها یا سطوح آموزشی توصیه می‌شود که حتماً با نظریه‌های (تئوری‌های) تربیت یا آموزش - پرورش آشنا باشند، به سبب اعتبار یافته‌های آن‌هاست که طبعاً مبانی حرفه‌ی معلمی تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های آموزشی معلم در همه‌ی مراحل تحصیلی، طبعاً زمانی مؤثر خواهد شد که بر نظریه‌هایی (تئوری‌هایی) در روان‌شناسی و آموزش - پرورش و منطق تربیت و سایر معارف مرتبط، مبتنی باشند. البته ممکن است برخی از معلمان شخصاً به پژوهش‌هایی در مورد فعالیت‌های آموزشی خود بپردازند و به نظریه یا نظریه‌هایی دست یابند که این آرمان ارزشمندی در آموزش - پرورش یک جامعه است.

به همین سبب توصیه می‌شود، در مراکز تربیت معلم کشور، حتماً درسی با عنوان «روش‌های پژوهش در حوزه‌ی مسائل واقعی آموزش - پرورش» منظور شود و آموزش و یادگیری نظری و عملی آن را بسیار جدی تلقی کنند. بدیهی است که در این درس، به مطالبی از این گونه خواهند پرداخت:

- * مسئله به ویژه مسئله‌ی تربیتی
- * چگونگی تشخیص مسئله‌ی واقعی از شبه مسئله یا مسئله‌ی کاذب
- * روش تحلیل مسئله
- * چگونگی و روش تبیین مسئله
- * چگونگی ارزیابی راه‌حل‌های احتمالی و انتخاب راه حل مناسب مسئله‌ی مورد نظر
- * ضرورت پرداختن جدی به امور مذکور در حوزه‌ی آموزش - پرورش

- * یافته‌های کاربردی این پژوهش
 - * پیش‌بینی یا پیشنهاد روش‌ها و راهبردهای این کاربرد
 - * ارزش‌یابی پس‌اندازهای (فیدبک) این کاربرد
- در همه‌ی مراحل یا گام‌های هر گونه پژوهش باید:
- هزینه‌ی احتمالی را پیش‌بینی کرد.
 - منابع و چگونگی تأمین این هزینه را روشن کرد.
 - چگونگی صرف این هزینه را پیش‌بینی کرد.
 - از هر گونه اسراف یا هزینه‌های بی‌مورد پرهیز کرد که خیانت به جامعه است.

آموزش - پرورش، خصوصاً در دوران کودکی، مؤلفه‌ی کلیدی اصلاح و بهبود منش و شخصیت است.

باشد یا نباشد.» حال برای رسیدن به مرحله‌ای که بتواند به نظر خودش قابل قبول باشد، باید ابتدا از پژوهش‌های خود به حدسیاتی برسد و فرض‌ها یا فرضیه‌هایی برای خودش مطرح کند که اعتبار موقتی دارند، ولی هنوز نمی‌تواند به آن یافته‌ها اعتماد کند. به پژوهش‌های خویش در همین موضوع ادامه می‌دهد و به داده‌های نوینی می‌رسد. همین که خود این دانشمند پس از پژوهش‌های متعدد به مرحله‌ای رسید که به یافته‌هایش یقین کرد و روابط پایدار یا قانون‌های موجود در چگونگی پیدایش موضوع مورد پژوهش خود را کشف و باور کرد، مجموع یافته‌های خود را بیان می‌کند. این گفتار یا نوشتار را «نظریه» یا «تئوری» می‌گویند که به نام آن دانشمند معروف می‌شود؛ مانند «نظریه‌ی نسبیت اینشتین» و «نظریه‌ی جاذبه‌ی نیوتونی» در واقع، هر تئوری یا نظریه، پاسخی است به این پرسش: «چرا این چنین یا آن چنان است؟» یا «چرا این چنین یا آن چنان شده است؟» به عبارت دیگر، نظریه که محصول مدت‌ها، گاهی چند و چندین سال است، چرایی و چگونگی پیدایش یک چیز یا رخ دادن یک حادثه را به اختصار تبیین می‌کند. پس به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم، «نظریه» تولید کردنی نیست و دفتر و اتاق ویژه ندارد، بلکه در طول زمان و پیمودن مراحل پژوهشی متعدد، به ذهن دانشمند و یا دانشمندانی می‌رسد.

به باور دانشمندان نظریه‌پرداز (تئورسین)، هر نظریه‌ی مثبت (یا به قولی خوب)، نظریه‌ای است که: ۱. جامع باشد یا از جامعیت نسبی برخوردار باشد؛ ۲. ابطال‌پذیر باشد؛ به این معنا که هیچ نظریه‌ی معتبری خود را «بدی» (همیشگی) تلقی نمی‌کند. ناگفته نماند که گاهی در برخی گفتارها و نوشتارها، کلمه‌ی «نظرات» به کار برده می‌شود و حتی گاهی آن را مترادف «نظریات» تلقی می‌کنند! غافل از این که نظرات جمع «نظره» (یک نگاه) است، نه جمع «نظریه». معادل یا ترجمه‌ی «تئوری» (theory)، نظریه یا نظر، محصول تجربه‌ی تصادفی فردی است، نه نتیجه‌ی پژوهش علمی. مثلاً شاید همه‌ی شهروندان ایرانی درباره‌ی چگونگی کارکرد مدارس، نظر یا نظریه‌ی (انظاری) داشته باشند، لیکن هیچ کدام از آن‌ها را «نظریه» نمی‌گویند. چون عمدتاً محصول برداشت‌ها یا تجربه‌های اشخاص در برخورد با مدارس فرزندان‌شان است نه پژوهش علمی، اعتبار علمی هم ندارند.

اما نظریه‌پردازی در حوزه‌ی آموزش - پرورش، به این معناست که فرد یا گروه تربیت شده و آماده برای پژوهش در فرایندها و مسائل آموزش - پرورش یک کشور یا یک منطقه، پس از تعیین و انتخاب فرایند یا مسئله‌ی تربیتی خاص، مثلاً چگونگی و چرایی افت تحصیلی در مرحله یا کلاس ویژه‌ای، با روش‌های علمی مطلوب به تحقیق مورد نظر می‌پردازد. حتماً مشروط بر این که پژوهشگر (محقق)، سابقه‌ی تدریس در آن مرحله یا دوره را داشته باشد. به عبارت دیگر، برای هر گونه تحقیق در حوزه‌ی آموزش - پرورش، حتی در سطح مدیریت، برخورداری محقق از سابقه‌ی تدریس نسبتاً مطلوب، ضروری است و صرفاً تحصیل در رشته‌ی پژوهشگری، با هر مدرک تحصیلی، هرگز برای پژوهش در حوزه‌ی آموزش - پژوهش کفایت نمی‌کند. باید معلم بود و معلمی کرد تا مسائل واقعی آموزش - پرورش را دریافت و به پژوهش درباره‌ی آن‌ها پرداخت.